

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر

۰۱.۱۸.۰۹

نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان

جلد دوم

فصل پنجم

کشتار های طالبانه

قبل از آنکه به چگونگی اقدامات و اجراءات اداری و " شرعی " و . . . طالبان در شمال افغانستان و سایر نقاط تحت حاکمیت آنها بپردازیم ، اینک ، نمونه هایی از شیوه برخورد ، نوع کشتار و دیگر ناروایی های آنان در شهرها و مناطق مختلف کشور را بگونه فشرده پیش چشم خواننده ارجمند قرار میدهیم :

در جریان سالهای (۱۹۹۸-۱۹۹۹ م) ، یک سلسله از فلم های مستند ویدیویی که البته به صورت مخفیانه در داخل افغانستان تهیه شده بودند ، به دسترس افغانهای مهاجر و مردم دنیا قرار گرفت که شدیداً تکان دهنده بوده و اعمال نفرت انگیز متعصبین طالبی علیه مردم خسته جان افغانستان را به نمایش میگذاشت . یکی از آن فلم ها ، صحنه وحشت ناک ذبح جوانی را نشان میداد که در یک میدان خشک و خاک آلود و در محضر عده ای از تماشاگران نوع طالبی صورت میگرفت . فلم از آنجا آغاز میشود که یکی از ملا های طالبان با استفاده از بلند گو ، چیز هایی به زبان پشتو پیرامون قتل نفس و عمل قصاص و غیره میگوید. پس از آن ، جوانی را که دست و پایش بسته است ، از گوشه ای میدان به وسط میدان می آورند و برایش میگویند رو به آسمان بخوابد ، جوان هم بدون تعلل اطاعت میکند ، باز ملایی که نزدیکش هست به وی میگوید برخیزد و سرش را به طرف قبله بچرخاند ، جوان باز هم بدون هیچ واکنشی دستور را اجرا میکند ، در همین اثنا شخصی که صورتش بگونه مرموزی پوشیده بوده معلوم نه میشود که زن است یا مرد ، با کارد بزرگی که در دست دارد خودش را به سرعت از گوشه ای دیگر میدان به جوان خوابیده نزدیک نموده کارد را چند بار به گلوی جوان میراند تا خون فوران میکند. ملاحظه فوران خون ، چاک گلوی جوان مقتول و نفس کشیدن های دلخراش و واپسین وی ، هر بیننده با وجدان و دارای عاطفه انسانی را تا مدتها گیج و مبهوت نگه می دارد .

فلم دیگر ، عمل سنگسار یک زن افغان از سوی طالبان را به نمایش میگذارد که هیچ کسی نمیتواند آنرا تا به آخر تماشا کند. به ویژه ، دیدن صحنه ای که یکی از طالب بچه های جنون زده بیخود ، سنگ بزرگی را بر داشته به فرق آن زن مظلوم نیمه جان در درون حفره ای که او را جا داده اند ، می کوبد و به هستی اش خاتمه میدهد ، دل و دماغ طالبانه می خواهد .

(فوتوی طالب بچه با سنگ بزرگ در دستش)

دو فلم دیگری که در سالهای ۲۰۰۱ م مورد استفاده رسانه های گروهی جهان غرب نیز قرار گرفتند، عبارت بودند از حمله طالب چماق به دست بالای زن بینوای چادری پوش شهر کابل و لت و کوب وحشیانه زن مذکور دیگری ، شلیک مرمی کلشنکوف به فرق زن چادری داری در ستدیوم ورزشی شهر کابل. اینها علاوه از ده ها فلم و صدا ها عکس و گزارشی اند که از داخل افغانستان به خارج رسیده و دهشت بی حد و حصر دوران شش ساله حاکمیت طالبان در کشور مصیبت دیده و ویران شده افغانستان را تمثیل میکند. همانطور عکسهایی از دست ها و پاهای بریده انسان ، از پا آویختن جوانان ، به دار زدن و زیر دیوار کردن و شلاق زدن و . . . به نشر رسید که همه آنها نشانگر دهشت قرون وسطایی این تازه به دوران رسیده ها بود.

(فوتوی دست های بریده انسان)

شاهدان عینی و منابع بین المللی گزارشات متعددی در مورد اعمال و کردار بیرحمانه و ادعا های بی پایه طالبان به بیرون مخابره نمودند که از آن جمله ، برخی از گزارشات حقوق بشر سازمان ملل را از منابع مختلف در اینجا نقل میکنیم :

" در دو سال گذشته ، دهها زندانی از جانب طالبان در معرض اعدام ، قطع اعضای بدن و در چندین مورد سنگسار قرار گرفته اند. بعضی از این تخلفات بر اساس گزارشها ، قضاوت محاکم مذکور که اغلب در واقع از قانون بی اطلاع اند ، قضاوت شان را مبنی بر فهم شخصی خویش از قوانین اسلامی از یک جانب و نظام نامه حاکم بر جامعه پشتون از جانب دیگر استوار میسازند . . . برای محکومان هیچ امکان دسترسی به مشاور قانونی و جود ندارد . فرض بر بی گناهی باطل گردیده ، هیچگونه مقررات مرافعه طلبی وجود ندارد و احکام قطعی میباشند . . . اظهارات محکومان مبنی بر قبول احکام قبل از آنکه اجرا شوند ، اغلب زیر شکنجه گرفته میشود . یک جوان هجده ساله که ادعا شده بود دو طالب را به قتل رسانیده است ، در فبروری ۱۹۹۶م در محضر عام در هرات اعدام گردید . به مردم دستور داده شده بود تا در ستدیوم فوتبال شهر گرد آیند ، بعد دروازه ها را بسته و به هیچ فردی اجازه بیرون رفتن داده نمی شد ، زندانی محکوم آورده شد و در زیر یک جرثقیل منتظر ماند، مردمی که جمع شده بودند ، در یافتند که او قبلا تا سر حد مرگ لت و کوب گردیده است . . . ریسمانی در گردنش انداخته او را در هوا بلند کردند . . . او بعد از سی دقیقه خفه بودن جان داد . . . "

" در ماه جولای ۱۹۹۶م مرد سی ساله ای موسوم به توریالی و یک زن ۲۵ ساله به نام نوربی بی در شهر قندهار سنگسار شدند . . . مرد بعد از اصابت هفت سنگ جان داد، اما زن دیر تر زنده ماند. به اعضای خانواده زن دستور داده بودند تا حاضر باشند و پسر وی را مجبور نمودند برود و ببیند که آیا مادرش تا هنوز زنده است یا نه ؟ . . . آخرین سنگی که باعث قتل زن شد ، تخته سنگ بزرگی بود که یک طالب بر سر زن انداخت . "

(فوتوی عبدالوهاب سفیر طالبان در اسلام آباد، حین درج تسلیم به مناسبت مرگ دیانا درکتاب)

" عبدالله و عبدالحمید دو تن از باشندگان ارزگان قربانیان دیگری بودند که به تاریخ ششم ماه اپریل ۱۹۹۶م از طرف طالبان به اتهام عمل سرعت دستگیر شدند. این دو نفر نخست توسط طالبان تا سرحد مرگ لت و کوب شده و متعاقبا دستهای چپ و پا های راست شان قطع گردید . طالبان چنان در این مورد بی رحمانه عمل کردند که بعد از قطع کردن دستها و پا های آن دو ، سیخ آهنی آتش گرفته را در محل قطع شده گی فرو کردند تا خون ریزی متوقف شود."

(فوتوی جوانی که یک دست و یک پای او قطع شده)

به منظور آنکه کردار طالبان در سایر گوشه های مملکت نیز بررسی گردد ، خوب است گزارشاتمی هم از سازمان عفو بین المللی از نواحی جنوب غرب کشور که متعلق به سال ۱۹۹۵م و هنگام یورش های طالبان به سوی هرات و فراه و . . . میباشد ، در اینجا درج نماییم :

" یک شاهد عینی گفت ، من اجساد زیادی را در منطقه (پل دهکب) که با ولایت فراه ، نیمروز و هلمند هم سرحد است ، دیدم . بعضی اجساد در زیر یک پل قرار داشتند. مردم چندین مرتبه اجساد را دفن نموده بودند، اما حیوانات آنها را از قبر های شان بیرون کشیده بودند. من سیزده جسد را در زیر پل حساب نمودم ، اما شمار مرده ها در آنجا بیش از این بود. همه آنان مرد به نظر می رسیدند . مسافران مناطق اطراف که در موتر سفر میکردند به ما گفتند که کشته شدگان جنگجو نبودند ، افراد مذکور را اسیر گرفته بودند و به خاطر انتقام گیری از حمله قبلی نیرو های اسماعیل خان علیه مواضع طالبان کشته بودند . . . "

" در ولسوالی جلدک ولایت زابل در اواخر سال ۱۳۷۷ هجری تعدادی از مردم منطقه به علت تعفن متوجه می شوند که در یک گودال ، مرده های زیادی سر هم افتاده و به اصطلاح از کشته پشته تشکیل شده است . بعد از تحقیقات معلوم میشود که گروهی از طالبان به سر کردگی ولسوال منطقه که مؤظف بودند تا در مسیر راه کابل- قندهار موتر ها را تلاشی نمایند به جنایت و رهنی دست زده اند. آنها موتر ها را متوقف نموده و بعد از تشخیص سر نشینان ظاهراً پولدار ، بعد از غصب دارایی و پول شان ، آنها را به گودال انداخته و برای سر پوش نهادن به جنایت شان ، راننده را نیز گم و نیست کرده موترش را به پاکستان انتقال می دادند. بعد از افشای این جنایت هولناک ، ولسوال جلدک تبدیل میشود و طالبان ، آنها را به " دسته ای رهن حرفه بی" محول میکنند . آنان چشم سفیدی و غداری را تا آنجا رسانیدند که گفتند " مرده ها همه طالب اند که توسط گروه های شر و فساد به این وضع فجیع کشته شده اند "

" به تاریخ ۱۵ ماه اسد در ولسوالی شیندند، شخصی را به نام تورن عمر مسکونه قریه اشتاباد زوال به جرم داشتن سلاح دستگیر در ولسوالی زیر لت و کوب بی حد قرار میدهند و چون او هیچ چیزی ندارد که به افراد ولسوال بدهد، شکنجه گران که بعد از کشیدن ناخن های دست و پایش باز هم نمیتوانند چیزی عاید کنند، چند میخ کلان به کف پا پیش طوری می کوبند که از پشت پایش بیرون میشود و صورتش را با چاقو پاره پاره میکنند خصیه هایش را نیز می کشند تا می میرد."

" به تاریخ ۲۲ ماه اسد ۱۳۷۸ هجری ساعت دوازده ظهر نو جوانی پانزده ساله به نام گلابشاه فرزند ظا هر مسکونه تحت بازار شیندند با موتر سایکل به طرف ولسوالی شیندند روان است . در قسمت " جاونی " شیندند با طالبی روبرو میشود که او را تحت تعقیب قرار داده است ، طالب او را توقف داده با بهانه از جوان میخواهد وی را به میدان هوایی شیندند برساند. نوجوان عذر میکند که برادرش گلکاری دارد و برایش نان می برد، وقتی طالب بچه اصرار میکند ، نوجوان فرار میکند و طالب به دنبالش می دود و با تفنگچه تهدیدش مینماید . موتر سایکل از قضا خاموش شده و طالب مذکور نوجوان را به چنگ آورده پس از لت و کوت شدید ، پنج مرمی به سر و صورت او شلیک کرده فرار مینماید ."

قرارگزارش رادیو " پیام افغان" در جنوب کالیفورنیا ی امریکا، طالبان در ماه اپریل سال ۱۹۹۶م قومندان ظاهر فرزند حاجی عبدالقدیر والی سابق ننگرهار را دستگیر نموده و هر دو دست او را از شان بریدند. قومندان ظاهر در برابر هجوم این گروه در جلال آباد مقاومت کرده بود.

طالبان در اخیر ماه مارچ سال ۱۹۹۸م سر دو مرد را با چاقو از تن شان جدا کردند. این عمل در غازی سندیوم کابل و به عنوان " قصاص " انجام داده شد . گفته شد که دو مرد مذکور فرد یا افرادی را کشته بودند .

همچنان ، طالبان دو مرد را به اتهام انجام عمل لواط در ملای عام اعدام کردند. نحوه اعدام با فرو ریختن دیوار بالای آن دو مرد صورت گرفت و هردو در زیر گل و سنگ دیوار مدفون شدند.

در همین ماه ها ، روزنامه کیهان چاپ لندن در شماره ماه جون خویش نوشت که " بسیاری از مردم کابل که از جور و ستم طالبان به ستوه آمده اند ، از مسلمانی دست کشیده و به مسیحیت گرویده اند. محمد علمی رهبر بخشی از یک گروه اسلامی افغانستان گفته است در شهر های پشاور و کوئته موسسه ای برای ترویج دین مسیح فعالیت دارد که دامنه کار خود را به افغانستان هم کشانیده است . این موسسه از سوی انگلیس و کشور های دیگر غربی حمایت میشود و تاکنون ده هزار خانواده افغانی مقیم کوئته و پشاور را تحت پوشش قرار داده است و ماهانه به هر خانواده سه صد دالر اعانه میدهد. مسؤول موسسه ترویج مسیحیت در کوئته یک خانم لبنانی است و در پشاور نیز یک استاد سابق پوهنتون کابل این کار را انجام میدهد . گفته میشود که تا حالا نود هزار تن از اهالی کابل مسیحی شده اند . نشریه جوان چاپ ایران نیز این خبر را نقل کرده است و رادیو طالبان هم این رقم را تأیید کرده است .